

در آتش نشسته بود...

(گزیده‌ای از زندگینامه امام حسین (ع))

مریم جانکش

سرشناسه	جهان گشته، مریم، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	فراات تشنه بود/مولف مریم جهانگشته.
مشخصات نشر	مشهد: طنین قلم، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۸۰ ص. ۱۷×۱۱، س.م.
شابک	978-964-6173-75-0
وضعیت فهم ست نویسی	فیا
بازداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق - داستان
موضوع	داستان های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	داستان های مذهبی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	PIR ۸۰۱۱/۳۵۲۴۸ ق ۴ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	۶۲۳/۳۸۸
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۵۰۶۰۶

طبری
مؤلف مرتب

فراات تشنه بود

نویسنده: مریم جهانگشته

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۹۱

امور چاپ: چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۷۳-۷۵-۰۰

قیمت: ۲۷۰۰۰ ریال

السلام عَلَيْكَ وَ عَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ
بِفَنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي كَمِيْعاً سَلامٌ اللهُ اَبَدَا مَا
بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا ابا عَبْدِالله

فهرست مطالب

۷	مقدمه مولف
۱۰	تسبیح
۱۲	الله اکبر
۱۴	داوری
۱۶	نذر
۱۷	بخشش
۱۹	یک اذان شنیدنی
۲۳	یکی مثل او
۲۶	نیایش سرخ
۲۸	تورا دوست دارم خدایا
۳۰	لحظه وضو
۳۲	پاداش
۳۴	عروس خوبان

- ۳۵ نماز
- ۳۷ جوانمردی
- ۳۹ سجده
- ۴۲ دعوتنامه‌های کوفی
- ۴۵ مثل من با چون تویی بیعت نمی کند
- ۵۰ مسلم بن عقیل
- ۵۳ یک انتخاب خوب
- ۵۷ دعای باران
- ۵۹ شبیه ترین فرد به رسول خدا
- ۶۰ آخرین نماز
- ۶۲ مؤذن شهید
- ۶۴ آزاده
- ۶۶ سرباز نماز
- ۶۹ فرات تشنه بود
- ۷۲ راز
- ۷۴ رسالت
- ۷۸ من حسینی هستم

مقدمه مولف

احساس می‌کنم دستهایم به اختیار خودم
 نیستند. طوری که قدرت گرفته‌اند و بی اختیار قلم
 در میان انگشتانم می‌لغزد و حماسه می‌آفریند.
 حماسه‌ای که تاریخ با همه پیچ و تابش در مقابل
 یادواره آن ناتوان است. هنگام نگارش با خود
 اندیشیدم چقدر از کوچه‌های تاریک کوفه تا
 بارگاه مطهرش فاصله است، دلم را با خودم برده
 بودم بین الحرمین. صدای ناله‌ای را در میان شبهای
 کوفه می‌شنیدم. آرام آرام به سویش پیش می‌رفتم
 و تا حرم ملکوتی‌اش صلوات فرستادم. حال

ناله‌هایم به حق حق گریه تبدیل شده بود. حالی
 دگرگون داشتم. آری اکنون دایره واژگانم محدود
 گشته است. گویی تمام سلولهای بدنم منجمد
 شده‌اند. احساس می‌کنم چقدر مفتخرم از اینکه
 شیعه‌ام، پرور راه حسین (ع) اما باز می‌اندیشم هنوز
 هم تا حسینی شدنم فرسنگها راه فاصله است. باید
 تلاش کنم، بپا خیزم، عزم راسخ داشته باشم تا
 بتوانم از حسین (ع) سخن بپرانم. دوباره راه را در
 پیش گرفتم. اختیار از کف داده بودم. به بلندای تل
 زینیه رسیدم. به مناره‌های گنبد قمر بنی‌هاشم نگاه
 انداختم. همچنان استوار و دریایی. اشکهایم مدام
 می‌بارند. گویی دلم هوای بهشت گرفته است. با



خود زمزمه می کنم: حسین (ع) با خون
 سرخش معراجی از عشق آفرید و زینب (س) طلایه
 دار این عشق گردید. بی اختیار مقابل حرمش
 می ایستم دستهایم را روی سینه می گذارم و به نشانه
 احترام سرم را خم می کنم و می گویم: اَلسَّلَامُ عَلَی
 الْحُسَیْنِ و عَلَی عَلَی بْنِ الْحُسَیْنِ و عَلَی أَوْلَادِ
 الْحُسَیْنِ و عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ.

باشد که قبول حق افتد. التماس دعا

مریم جهانگشته

مستان ۹۱

تسبیح

فاطمه (س) نشسته بود. پیامبر (ص) به دیدنش آمدند و رو به ایشان فرمودند: «ای فاطمه (س) نوری در پیشانی تو می بینم. به زودی محبت خدا بر مردم را به دنیا خواهی آورد.»

حال شش ماه از آن روز می گذرد. فاطمه (س) خود اعتراف می کند که در شب تاریک به چراغ نیاز نداشته و در مصلاهی نماز در خلوت از باطن خود صدای تسبیح و تقدیس می شنوم. نوزاد را به دست رسول خدا (ص) دادند. پیامبر خدا (ص) در گوش راست نوزاد اذان و در گوش